

الهیات تطبیقی (علمی)

سال دهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ص ۱-۱۶

بررسی، تبیین و تحلیل دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی نسبت به جنبش‌های ایرانی ضدخلافت در سده‌های دوم و سوم هجری

اسماعیل سنگاری* - محسن یعقوبی**

چکیده

در بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران، سده‌های اول تا سوم هجری به دلیل تحولات و دگرگونی‌های عمیق جامعه ایرانی، حضور گسترده اعراب در سرزمین‌های ایران‌شهر، مواجهه دو جهان‌بینی زردشتی و اسلامی و شیوه‌های مقاومت و پایداری جامعه نسبت به تسلط اعراب، اهمیت زیادی دارد. در این دوره، دین زردشتی از جایگاه غالب و مسلط گذشته تنزل یافت و دین اسلام با گسترش تدریجی جای آن را گرفت؛ بنابراین، صیانت از وحدت درونی جامعه زردشتی به دغدغه مؤبدان تبدیل شد که بازتاب آن را در متون آخرالزمانی زردشتی دیده می‌شود. بر اساس این، پایداری در برابر اعراب، جنبه‌های سیاسی و خشن ابتدایی خود را کنار گذاشت و در قالب حفظ یکپارچگی دینی و اجتماعی زردشتیان و تمرکز بر موضوع پایان جهان و رستگاری روحانی، به حیات خویش ادامه داد. در این چارچوب، بروز جنبش‌های ایرانی که عمدتاً در سده‌های دوم و سوم هجری بر ضد دستگاه خلافت رخ دادند و ماهیت غیرزردشتی داشتند، بدعت و چالشی خطرناک برای هویت اجتماعی زردشتیان تلقی شدند و متون آخرالزمانی زردشتی، آنها را نقد و نکوهش کردند. در این پژوهش تلاش شده است با شیوه‌ای توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از شواهد مکتوب برجای مانده تا سده یازدهم میلادی، تحولات جامعه ایرانی در سده‌های نخستین اسلامی از منظر جهان‌بینی زردشتی بررسی شوند.

واژه‌های کلیدی

دین زردشتی، متون آخرالزمانی، دین اسلام، زردشتیان، پایان جهان

e.sangari@ltr.ui.ac.ir

mohsenyaghoubi111@yahoo.com

* استادیار گروه تاریخ و ایرانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (مسئول مکاتبات)

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

Copyright © 2016, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

متون آخرالزمانی زردشتی دربردارنده آموزه‌ها و تعالیمی بودند که سعی در تطبیق حوزه‌های مختلف زندگی جامعه ایرانی در مواجهه با گسترش اسلام و تسلط اعراب بر ایران داشتند. هرچند پیشینه این متون به روایت‌های شفاهی پیش از ساسانیان باز می‌گردد، پس از گذار جامعه ایرانی از ادبیات شفاهی به ادبیات نوشتاری در دوره ساسانی و تألیف متون زردشتی در دوره اسلامی، نگارش متون آخرالزمانی هم اهمیت بسیاری یافت. با بررسی این متون، تحولات مهم سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی در نخستین سده‌های اسلامی به دست می‌آیند (Leclant, 2005: 141).

یکی از تحولات مهم در این دوره، فروکش کردن پایداری‌های محلی در برابر تهاجم و تسلط اعراب بود که پس از روی کار آمدن شاخه مروانی خلافت بنی‌امیه و سیاست آنها در تطمیع و سازش با حکام محلی نشانه‌های خود را بروز داد. در این شرایط که امید به برقراری مجدد حکومت زردشتی از بین رفت، حفظ یکپارچگی دینی مردم به دغدغه روحانیون زردشتی تبدیل شد و در قامت الگوی فرهنگی آخرالزمانی درآمد؛ به طوری که علاوه بر اعراب و دستگاه خلافت، از سوی جنبش‌های سیاسی و دینی آن دوره نظیر قیام‌های به‌آفرید، ابومسلم و بابک نیز - که ماهیت فرقه‌گرایانه یا غیرزردشتی داشتند - تهدید شد. با توجه به نگارش یافتن این متون همزمان با رویدادهای سیاسی و تحلیل آنها، ادبیات آخرالزمانی تا حدودی نشانه واکنش جامعه زردشتی به حوادث زمانه خود بوده است. مسئله اساسی در این پژوهش این است که متون آخرالزمانی زردشتی بر مبنای چه شاخص‌ها و آموزه‌هایی نسبت به جنبش‌های سیاسی و دینی آن دوره دیدگاه انتقادی داشتند و آیا ماهیت غیرزردشتی این جنبش‌ها در پیدایش چنین دیدگاهی نقش داشته است یا خیر.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه دیانت زردشتی و به‌ویژه متون آخرالزمانی، پژوهش‌هایی در زمینه

نگرش این متون به جنبش‌های سیاسی و دینی ایرانی در نخستین سده‌های اسلامی وجود دارد. دریایی در اثر خویش (۱۳۹۳ش.)، با بررسی متون آخرالزمانی زردشتی، دیدگاه انتقادی این متون را نسبت به جنبش‌های مذکور تبیین و تحلیل کرده و عوامل پیدایش ادبیات آخرالزمانی را در متون زردشتی و وضعیت جامعه ایرانی پس از سقوط ساسانیان بررسی و تحلیل کرده است. چوکسی نیز در کتاب خود (۱۳۹۳ش.) ضمن بررسی تحولات اعتقادی و شیوه زندگی جامعه ایرانی در نخستین سده‌های اسلامی، پیدایش ادبیات پیشگویانه و آخرالزمانی زردشتی در آن دوره و کارکردهای آن را تبیین می‌کند و به نقش آن در تحولات زمانه می‌پردازد. صدیقی در اثر خویش (۱۳۷۲ش.)، هرچند به‌طور مفصل هر کدام از جنبش‌ها را بررسی و تحلیل می‌کند، در رابطه با نگرش متون آخرالزمانی زردشتی نسبت به این جنبش‌ها تحلیلی ارائه نمی‌دهد.^۱ مقاله پیش‌رو، ضمن بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در سده‌های نخستین اسلامی و بروز جنبش‌ها و شورش‌های ضدخلافت در سده‌های نخستین اسلامی، زمینه‌های پیدایش متون آخرالزمانی زردشتی در دوره اسلامی را تبیین و تحلیل و دیدگاه این متون را نسبت به جنبش‌ها تشریح می‌کند.

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

در بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در نخستین سده‌های اسلامی، نقش پایداری‌های محلی در سده نخست هجری و بروز جنبش‌های سیاسی و مذهبی در سطحی گسترده‌تر در سده‌های دوم و سوم هجری اهمیت زیادی دارد. در واقع، فروکش کردن پایداری‌های محلی در کنار باورناپذیری جامعه نسبت به سقوط ساسانیان، زمینه‌های لازم را برای پیدایش ادبیات آخرالزمانی و آموزه‌های مرتبط با آن فراهم کرد. این آموزه‌ها در راستای حفظ هویت اجتماعی زردشتیان در آن شرایط سخت و پیچیده، با بروز هر گونه تحولات و اقدامات سیاسی و دینی که زردشتیان را در مواجهه با

سود اسلام سنگین کرده بود و جریان اسلام‌گرایی به سرعت پیش می‌رفت. یکی از راه‌های تشویقی رایج برای گرایش به اسلام این بود که بردگان اسلام آورده را آزاد می‌کردند. فشار برای پرداختن جزیه نیز برخی را وادار کرد تا از دین زردشتی دست بردارند و مسلمان شوند که باعث خشم مالیات‌گیران می‌شد. همچنین در میان نو مسلمنان، عده‌ای بودند که اعتقاد داشتند موفقیت سپاه اسلام نشان از حقانیت آموزه‌های آن دارد. آنها با شور تبلیغاتی خود دیگران را مشتاقانه به اسلام دعوت می‌کردند (بویس، ۱۳۹۵: ۱۸۰-۱۷۹).

نقش این عوامل اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی در تغییر دین، بازتاب شرایط سخت زندگی زردشتیان در نخستین سده اسلامی است. در طول حمله اعراب به ایران، عده بسیاری به دلیل مقاومت یا به بهانه سرکشی و شورش به اسارت درآمدند و روزگار را به سختی می‌گذراندند. از طرفی، حفظ دین زردشتی مطابق با سیاست اقتصادی حکام اسلامی در این دوره، متضمن پرداخت جزیه یعنی مالیات و خراجی بود که از اهل کتاب گرفته می‌شد تا در قلمرو اسلامی جان و مال ایشان حفظ شود. سنگینی میزان این مالیات و وضع نامناسب اقتصادی مردم، برخی را مجبور کرد دست از دین زردشتی بکشند و به اسلام روی آورند؛ برای مثال، حدود سال ۶۴۵ م. / ۲۵ق. که ناحیه قزوین به دست اعراب افتاد، بیشتر زردشتیان ترجیح دادند دین جدید را بپذیرند تا آنکه خراج پردازند. بعضی بزرگان اصفهان نیز بنا به همان دلایل اسلام آوردند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۹۴). این ترفند و شگرد نومسلمنان با مخالفت بسیاری از حکام اسلامی روبه‌رو شد که منافع اقتصادی خود و حکومت را در خطر می‌دیدند. در زمان عمر دوم خلیفه اموی (۹۹-۱۰۱ق.)، بعضی از حکام عرب که به اسلام آوردن ایرانیان سوءظن داشتند، شروع به آزمون وفاداری نومسلمنان به اسلام کردند و بر مردانی که از ختنه امتناع می‌ورزیدند، دوباره جزیه را تحمیل می‌کردند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

دستگاه خلافت به چالش می‌کشید، به مخالفت برخاستند. در این پژوهش، دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی به تحولات مذکور، تبیین و تحلیل و به‌نوعی تحولات جامعه ایرانی در سده‌های نخستین اسلامی از منظر جهان‌بینی زردشتی بررسی شده و امید است نتایج آن تأثیر روشنی بر روند مطالعات و تحقیقات پژوهشگران بر جای گذارد.

۲. بحث

۲-۱. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در سده‌های نخستین اسلامی

در آغاز فتوحات اعراب، قیام‌ها و شورش‌های متعددی در نقاط مختلف ایران رخ داد. در فارس، کرمان، جبال و خراسان پایداری‌ها شدت بیشتری داشت و کمتر جایی بود که بدون جنگ تسلیم شود. از طرفی، مجازات‌هایی که فرماندهان مسلمان اعمال می‌کردند، پایداری زردشتیان را شدت می‌بخشید؛ بنابراین، حتی پس از آنکه قیام‌های گسترده و عمومی سرکوب شد، مبارزات محلی به‌طور پراکنده ادامه یافت (چوکسی، ۱۳۹۳: ۶۲)، به‌ویژه هنگامی که در سال‌های پایانی خلافت عثمان (۲۳-۳۵ هـ.) و خلافت امام علی (ع) (۳۵-۴۰ هـ.) جامعه اسلامی گرفتار جنگ‌های داخلی بود، شدت این شورش‌ها بیشتر شد و اعراب هم در سرکوبی آنها، عکس‌العمل شدیدتری نشان دادند (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۵۸۱).

سیاست اصلی خلفای راشدین، مبتنی بر توسعه اسلام در میان ایرانیان با اعمال نکردن سیاست اجبار و زور در امر پذیرش دین اسلام بود. در این دوره، اعراب به‌واسطه نیاز به حمایت و تحکیم موقعیت خود از مسلمان شدن ایرانیان استقبال می‌کردند و اسلام تا حدودی در میان مردم گسترش یافت. همچنین گرایش مردم ایران به اسلام نیز با هدف ایجاد برابری‌های اجتماعی، نظامی و اقتصادی هر روز بیشتر می‌شد (مازندرانیان، ۱۳۸۴: ۷۸).

هرچند بسیاری از زردشتیان، پس از پایان دوره فتوحات نخستین، آداب و رسوم قبلی خود را از سر گرفتند، در مواجهه دین زردشتی با اسلام، زمانه کفه را به

بیشتری برای تغییر دین بر زردشتیان وارد می‌آمد؛ زیرا گروهی از شیفتگان اسلام آرزو داشتند تمامی اتباع خلیفه را به اسلام گرایش دهند. داعیان به آبادی‌ها و روستاها می‌رفتند و نامسلمانان را به اسلام فرا می‌خواندند. با کاهش تعداد زردشتیان، توانایی آنها در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات کاهش یافت. برخی از متون پهلوی در سده‌های نهم و دهم میلادی، از تلاش سخت و مستمر زردشتیان می‌گویند و در عین حال، به نیرومندی و استحکام قوانین دین زردشتی و ناتوانی فزاینده زردشتیان در اجرای این قوانین گواهی می‌دهند (بویس، ۱۳۹۰: ۲۷۴). این ناتوانی زردشتیان در عمل به تکالیف دینی در متون آخرالزمانی زردشتی شایان توجه قرار گرفت که در آنها ضمن دعوت عموم مردم به رعایت احکام و قوانین، راهکارهایی نیز برای مقابله با تسلط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیگانگان ارائه شد. با توجه به اینکه دیگر قوه قهر و غضب مؤبدان قابلیت اجرا نداشت، آنها کیفر مردم سرپیچنده از این تکالیف دینی را به داوری الهی و عذاب‌های جهنم ارجاع می‌دادند. در متونی نظیر ارداویراف نامه، زندیمن یسن و روایت پهلوی به این موارد اشاره شده است:

«و دیدم روان مردی که کرم همه اندام او را می‌جوید و پرسیدم: "این تن چه گناه کرد؟" سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: "این روان مرد دروندی است که در گیتی گواهی دروغ داد و خواسته نیکان دزدید و به بدان داد" (ارداویراف نامه، ۱۳۸۲: ۷۴).

۲-۲. جنبش‌ها و شورش‌های ضد خلافت در

سده‌های نخستین اسلامی

جنبش‌های ضد حکومتی، بیشتر از طرف طبقه عامه رخ می‌داد که کمتر از خواص جامعه به تغییر عقاید و عادات خویش قادر بودند و حتی اگر عقیده تازه‌ای را زود می‌پذیرفتند، این امر سبب نمی‌شد عقاید قدیمی را دور اندازند، بلکه دو عقیده مخالف و متضاد را در کنار هم حفظ می‌کردند و اختلاط ناموجه دینی بیشتر از همین اعمال ریشه

همچنین تبلیغات پرشور بسیاری از این نومسلمانان، در جامعه‌ای که هنوز در شوک از بین رفتن اقتدار جهانی ساسانیان بود، شک و تردید به تعالیم دین بومی را تشدید کرد و همین امر بعدها به دغدغه مهم روحانیون زردشتی در نگارش متون دینی تبدیل شد.

با ظهور امویان، عادات و عقایدی که پیش از ظهور اسلام در میان اعراب وجود داشت، دوباره آشکار شد و فاصله میان ایرانیان تازه مسلمان و اعراب روزبه‌روز زیادتر شد و چون از طرفی، ملاحظات مالی اقتضا نمی‌کرد از نو مسلمانان جزیه را بردارند و با پذیرفتن اسلام نیز، مراعات اصل برابری حقوق اجتماعی نمی‌شد، پذیرش اسلام دیگر به شتاب سال‌های اولیه فتوحات نبود و بدین ترتیب کسانی که مسلمان می‌شدند، شوق و صمیمیت آن دوره را نسبت به این دین نداشتند (صدیقی، ۱۳۷۲: ۶۴).

این امر در اواخر دوره اموی، یکی از عوامل زمینه‌ساز قیام عمومی بر علیه آنها بود؛ زیرا امویان با تکیه بر تعصبات قومی و نژادی خود، بسیاری از امتیازات و حقوقی را که نومسلمانان بر مبنای قوانین اسلامی به دست آورده بودند، از آنها گرفته بودند و بدین ترتیب آتش کینه این قشر از جامعه را نسبت به خود برافروختند (صدیقی، ۱۳۷۲: ۶۵).

رفتار مسلمانان با زردشتیان در دوره اموی به‌ویژه در فارس و خراسان، اهانت‌آمیز و طاقت‌فرسا بود و به همین دلیل، گروهی از آنها برای پاسداری از دین زردشتی، زادگاه خود را ترک کردند و از طریق خلیج فارس راهی هند شدند (تاریخ ایران کمبریج، ج ۴، ۱۳۹۰: ۳۴). از این زمان به بعد مهاجرت از ایران به یکی از راههای گریز زردشتیان از شرایط سخت زندگی در سرزمین بومی خود تبدیل شد.

عباسیان حکومت خود را با آزار بدعتگران آغاز کردند و اگرچه تلاش آنها بیشتر متوجه فرقه‌های اسلامی بود تا اهل ذمه، برای پیروان سایر ادیان مانند زردشتیان شرایط سخت‌تر شد. طی دوره عباسیان اسلام در سراسر ایران شکوفا شد (بویس، ۱۳۹۵: ۱۸۳). در این دوره فشار

زردشتی در آن دوره داشت؛ زیرا روحانیون زردشتی نه تنها نتوانستند مانع از ترویج و گسترش این اندیشه‌های التقاطی شوند، در سرکوبی رهبر جنبش به‌عنوان فرد مرتد نیز ناتوان بودند و برای دفع شر او به دشمن دیگری توسل جستند.

۲-۲-۲. ابومسلم

خیزش ایرانیان در خراسان در قرن هشتم و نهم میلادی، به این نکته اشاره دارد که شکست از اعراب و گرویدن به اسلام به معنای پایان توان فرهنگی و نیروی سیاسی ایران نبود. قیام مؤثر ایرانیان با اقدامات ابومسلم آغاز شد و به سقوط خلافت بنی امیه و به قدرت رسیدن خلفای عباسی انجامید (یارشاطر، ۱۳۹۳: ۱۰). ابومسلم خراسانی رهبر جنبش سیاه‌جامگان بود که توانست حکومت عباسیان را پایه‌گذاری کند. با بر تخت نشستن سفاح (۱۳۲-۱۳۶هـ.)، نخستین خلیفه عباسی، اداره خراسان به ابومسلم سپرده شد؛ اما قدرت و نفوذ او و گرایش‌های استقلال‌طلبانه او برای خلیفه و اطرافیان او نگران‌کننده بود. موقعیت و نفوذ سیاسی او چنان بود که فرمانروایان و سرداران نظامی ناحیه شرقی خلافت را بی‌فرمان خلیفه تعیین می‌کرد و به نام خویش سکه می‌زد و خلیفه در عراق بدون دستور او هیچ کار مهمی انجام نمی‌داد (خضری، ۱۳۸۴: ۳۰). ابومسلم احساس می‌کرد بنیانگذار حقیقی حکومت عباسی است و از اینکه می‌دید ایرانیان پیرامون وی جمع شده‌اند و او را رهبر ملی می‌دانند، احساس سربلندی می‌کرد (طوقوش، ۱۳۹۱: ۴۲). سرانجام، ابومسلم در سال ۱۳۷هـ. به‌نحو توطئه‌آمیزی به دستور منصور (۱۳۶-۱۵۸هـ.) دومین خلیفه عباسی به قتل رسید.

در خراسان قتل ابومسلم نارضایتی‌ها و شورش‌های بسیاری پدید آورد؛ زیرا ابومسلم در آنجا نه تنها رهبر سیاسی و سردار نظامی، پیشوای دینی تلقی می‌شد؛ از این رو، قیام‌ها و نهضت‌هایی که پس از مرگ او به خونخواهی اش رخ داد، گاه ریشه دینی داشت، چنانکه راوندیان و سپیدجامگان در عقاید دینی خویش ابومسلم را

می‌گرفت (صدیقی، ۱۳۷۲: ۳۲۸). رشته مداومی از این شورش‌ها از پایان دوره اموی تا زمان عباسیان دیده می‌شود. اینکه شورش‌ها جنبه دینی داشته یا اجتماعی و سیاسی، در برخی موارد به‌درستی مشخص نیست؛ اما شگفت‌انگیز است که شورش‌ها به پشتیبانی طبقات پایین جامعه بوده‌اند (فرای، ۱۳۹۲: ۱۴۴). به عبارتی ناخرسندی‌های محلی و سیاسی در جنبش‌های مذهبی سده‌های هشتم و نهم میلادی وجود دارند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۰).

۲-۲-۱. به‌آفرید

قیام به‌آفرید در سال ۱۲۹هـ جری، احتمالاً جنبش کفرآمیز زردشتی بوده است (فرای، ۱۳۹۲: ۱۴۴). او تلاش کرد دیانت زردشتی را با عقاید اسلامی سازش دهد: بدین ترتیب آنچه از دین زردشت به نظر مسلمانان ناپسندیده‌تر از همه بود، مثل ازدواج با خویشاوندان و نوشیدن شراب و ستایش آتش را به حساب دین نمی‌آورد. در مقابل، به برخی از آموزه‌های زردشت نظیر مراقبت از حیوانات خانگی و حفاظت از پل‌ها و راه‌ها احترام می‌گذاشت. زردشتیان برای جلوگیری از این لطمه و اهانت وارد شده به عقاید آنها، باکی نداشتند که برای سرکوبی به‌آفرید، به مبلغ عباسیان یعنی ابومسلم متوسل شوند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۹۱: ۳۵۷). ابومسلم هم در سال ۱۳۱ هجری پس از تسخیر نیشابور او را به قتل رساند (فرای، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

بعضی از آموزه‌های به‌آفرید، با آداب و رسوم زردشتیان آن زمان تضاد زیادی دارد و تبیین آنها نشانه جرأت و جسارت به‌آفرید است. همچنین به‌آفرید با مشاهده تغییر نگرش مردم، در فکر اصلاح اصول دین افتاد تا آن را از خطر نجات دهد؛ به‌خصوص که این حال روحی مردم با اضطراب سیاسی و هرج و مرج و شیوع فتنه و بی‌نظمی و فساد اخلاق همراه بود و در چنین حالتی امکان تغییر تعلیمات دینی نسبتاً آسان بود. پیشرفت به‌آفرید در روستاهای نیشابور نشان می‌دهد زمینه و مقتضیات اجتماعی برای توفیق او و ایجاد جنبش اصلاحی موجود بوده است (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۶۱). از طرفی، جنبش او نشان از ضعف سازماندهی دیانت

است و به همین دلیل، برخی مورخان آن را با عقاید مزدکیان در دوره ساسانیان مرتبط می‌دانند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۹۱:۳۶۸-۳۶۹؛ همچنین ن.ک: سنگاری و کرباسی، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۶۸). آن‌طور که از بررسی منابع به دست می‌آید، مذهب بابک اختلاطی از عقاید و آرای مختلف بوده است و به همین دلیل، پیروان ابومسلم و المقنع را نیز به خود جلب کرد، بدون اینکه معلوم باشد تا چه اندازه ای عقاید آنها را نیز پذیرفته است. از طرفی، منابع تأکید می‌کنند یکی از پایه‌های مسلک او عقاید زردشتی بوده است و جزئیات تعلیمات او نیز این نکته را تأیید می‌کند: مثل ایمان به دو اصل نور و ظلمت، تقدیس آتش، پاکی و پاکیزگی، اجازه ازدواج با مادر و خواهر و دختر اعتقاد به وجود فرشتگان. به این عقاید، ایمان به تناسخ که بابک را به المقنع مرتبط می‌سازد و نیز ایمان به تکرار حلول روح نبوت در جسم مادی را باید اضافه کرد. بابک بر حسب ظاهر به دستورات اسلامی رفتار می‌کرد؛ ولی این‌طور به نظر می‌رسد که تعداد زوجات را جایز می‌شمرد و نوشیدن شراب را نیز تشویق می‌کرده است (همان: ۳۶۶-۳۶۸). گروهی از طرفداران بابک پس از مرگ او در آذربایجان می‌زیستند و همچنان به دین اجدادی بودند و انتظار ظهور بابک را می‌کشیدند (صدیقی، ۱۳۷۲:۳۲۳).

از منابع چنین بر می‌آید که رهبران این جنبش‌ها، آمیزه‌ای از اعتقادات زردشتی و اسلام را دستاویزی برای مخالفت با خلفای عباسی قرار می‌دادند. زردشتیان و مسلمانان در نتیجه این شورش‌ها به آمیزش عقاید خویش متمایل شدند و این نشانه‌ای از تأثیرات متقابل هر دو دین است که در آن هنگام هر دو در مرحله تحول بودند (فرای، ۱۳۹۲:۱۴۵)؛ برای مثال، بیشتر اصلاحات به‌آفرید نظیر منع ازدواج با محارم، حرام کردن شراب و نهی مردارخواری، نزدیکی خاصی با تعالیم اسلام دارد (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۶۲). صرف نظر از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی شورش‌ها، رهبران آنها تلاش می‌کردند با آمیزش عقاید دین باستانی و دین جدید، حمایت

امام خود می‌دانستند و بسیاری از ایرانیان، او را یگانه امام واقعی خویش می‌شمردند و مقامی شبیه به مهدویت و الوهیت برایش قائل بودند و او را مهدی موعود اسلامی می‌دانستند (خضری، ۱۳۸۴:۳۲). قرار گرفتن ابومسلم در جایگاه موعودی که پیروانش انتظار ظهور او را می‌کشیدند، نشانه مهمی از وجود نگرش‌های آخرالزمانی در آن دوره تاریخی است. بدین ترتیب، گرایش جامعه به باورپذیری آخرالزمان و ظهور منجی، ابومسلم را که در دوران حیات از حمایت طیف‌های گسترده جامعه ایرانی برخوردار بود، پس از مرگ در جایگاه قدسی و الهی قرار داد.

جنبش‌های مذهبی که پس از این در شمال شرقی ایران پدید آمدند، شاخصه جریان‌ها و تحولات آن نواحی محسوب می‌شد و از نحوه بروز و شدت آنها، میزان هیجانات دینی که سرزمین ایران در نتیجه تبلیغات عباسی بدان دچار شده بود، به دست می‌آید. از طرفی، هدف‌های سیاسی نیز در قالب همین جنبش‌ها به مرحله اجرا درآمده‌اند. عناصر مخالف با عضویت ایرانیان در حکومت عباسی یا کسانی که می‌خواستند برای ملت خود استقلال بیشتری تأمین کنند، در این جنبش‌ها شرکت می‌کردند؛ بنابراین اهداف و ماهیت این جنبش‌ها برای حکومت عباسی خطرناک بود و آنها نیز با شدیدترین ابزار ممکن عکس‌العمل نشان می‌دادند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۹۱:۸۲). از مهم‌ترین این جنبش‌ها قیام سنباد، اسحاق ترک و المقنع است که همگی سرکوب شدند.

۲-۲-۳. بابک

قیام بابک از ۲۰۱ ه. تا ۲۲۳ ه. طول کشید و در این سال به فرمان خلیفه عباسی، معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ه.) در سامرا کشته شد. با آنکه منابع مربوط به این شورش فراوان است، داوری درباره این جنبش دشوارتر از شورش‌های نواحی شرقی قلمرو عباسی است؛ چون اساساً در آذربایجان که بابک در آنجا ظهور کرد، سابقه‌ای از شورش‌های مشابه موجود نیست (فرای، ۱۳۹۲:۱۴۶). به هر روی، جنبش بابک در کنار عقاید دینی، در ظاهر هدف‌های اجتماعی را هم تعقیب می‌کرده

این مبنا به گونه‌ای توجیه می‌کردند که گویا رخدادهای مؤمنان را به ظهور منجی نزدیک تر می‌کنند. نتیجه این امر در نخستین سده‌های حکومت اسلامی، پیش‌بینی روز رستاخیز با تمرکز بر روی اشغال ایران به دست اعراب بود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۱). در کتاب بندهشن، پیروزی‌های عرب‌های مسلمان و پیامدهای آن، نقطه مهمی در گذار از دوره تاریخی به دوره آخرالزمانی است (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۲). متن زیر به اختصار به سقوط ساسانیان و پیامدهای پیروزی اعراب می‌پردازد:

«و چون شاهی به یزدگرد آمد، بیست سال پادشاهی کرد. آنگاه تازیان به بس شمار به ایرانشهر تاختند. یزدگرد به کارزار با ایشان توانا نبود، به خراسان و ترکستان شد و اسب و مرد و یاری خواست و او را آن جای کشتند ... ایرانشهر به تازیان ماند ... ایشان آیین پیشینیان را بیاشتند، دین مزدیسنان را نزار کردند ... و سیح (طاعون) و نیاز و دیگر اناگی میهمان کرده ایستاد.» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

ادبیات آخرالزمانی در موقعیت‌های سختی و ترس پدیدار می‌شوند که سازماندهی اجتماعی از بین رفته‌اند و جامعه در معرض تهدید از سوی نیروی بیرونی قرار گرفته باشد. این موقعیت‌ها در رخدادهایی نظیر پیروزی اعراب و سقوط ساسانیان، نهضت عباسیان و شورش‌های فرقه‌گرایانه خود را نشان می‌دهند و از این لحاظ، متون مذکور دیدگاه زردشتیان درباره این رخدادهای و اهمیت آنها را تبیین می‌کند (دریایی، ۱۳۹۳: ۸۵).

چیرگی اعراب بر ایرانیان، شباهت زیادی به پیروزی سپاهیان مقدونی بر ایرانیان هخامنشی در حدود هزار سال پیش از آن داشت (۳۳۱ پ.م). هر دو نیروی مهاجم، فقیر و تشنه تصاحب اموال و املاک بودند و هر دو پس از چند نبرد سخت بر سپاه شاهنشاهی برتری یافتند. هر دو نیرو جبهه‌های محلی را با دشواری و کشتار گشودند و هر دو به هراسناکی مشهور شدند و ایرانیان آنها را میزبانان نیروهای اهریمنی می‌پنداشتند. پس از غلبه مقدونیان، ایرانیان ادبیاتی آخرالزمانی را به وجود آوردند و در آن،

گروه‌های مختلف مردم را به دست آوردند که هر کدام از لحاظ اعتقادی و دینی با هم ناسازگار بودند؛ اما این امر بیش از آنکه به حمایت همه‌جانبه مردم و موفقیت جنبش‌ها منجر شود، به شکست آنها و ظهور فرقه‌های متعدد مذهبی و سیاسی انجامید که میراث‌دار تناقض‌های فوق بودند و بر تشتت عقاید و تنش‌های فکری و فرهنگی موجود افزودند.

دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی نسبت به این جنبش‌ها، ناشی از تأثیر نامطلوب آنها بر وحدت جامعه زردشتی بود. این متون نسبت به ابومسلم خراسانی و بابک خرم‌دین چشم انداز تاریکی را ارائه می‌دهند که نتیجه بیزاری زردشتیان نسبت به جنبش‌های مذکور است. از دیدگاه این متون، مقاومت و پایداری در برابر بیگانگان در قالب باورهای آخرالزمانی و در درون جامعه زردشتی تعریف می‌شد که عاری از جنبه‌های سیاسی و خشونت‌آمیز بود (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۴).

۲-۳. زمینه‌های پیدایش متون آخرالزمانی زردشتی

در دوره اسلامی

به‌طور کلی پیشگویی به معنای از پیش خبر دادن وقایع آینده است. براساس این مفهوم، روایات پیشگویانه عبارت‌اند از گفته‌ها، اعمال و نمادهایی که گذشته یا حال را به آینده مربوط می‌کنند. برخی از پیشگویی‌ها مربوط به تحولاتی به نفع گروهی خاص است؛ مانند ظهور پیامبر. برخی دیگر، بلایا و مصائب را برای نشان‌دادن زوال تدریجی جامعه پیشگویی می‌کنند و عبارت‌اند از گزارش‌هایی درباره پایان جهان و آخرت. به این ترتیب، اعتقاد به پایان جهان، از پیشگویی سرچشمه گرفته است (چوکسی، ۱۳۹۳: ۶۵). مفهوم زردشتی پیشگویی، به‌خصوص شکل خاص آن که مبتنی بر اعتقاد به پایان جهان است، از اعتقاد به آخرالزمان در بینش هند و ایرانی ریشه گرفته است. در آخرالزمان، نجات‌دهنده‌ای به نام سوشیانت ظهور می‌کند تا دین زردشتی را به‌صورت دین کل بشریت درآورد. موبدان هم، رخدادهای تاریخی را بر

نگهدارنده سنت ادبیات شفاهی بوده اند (بویس، ۱۳۶۹: ۳۷). پس در آن دوران دغدغه ای برای پیدایش ادبیات نوشتاری در مفهوم گسترده آن وجود نداشته است و به علت تداوم چند هزار ساله ادبیات شفاهی و نیز تعارض شدید نداشتن فرهنگی و دینی جوامع مختلف - که صرفاً در اواخر دوره ساسانی بروز کرد -، نیازی به تألیف میراث دینی و تاریخی جامعه زردشتی احساس نمی شد. از طرفی، وجود نداشتن این ادبیات در متون دینی دوره ساسانی، حاکی از فراموشی آگاهانه شرایط سخت آخرالزمانی پس از حمله اسکندر است و با توجه به اینکه نویسندگان و مؤلفان در حافظه خود احتمال بازگشت به وضعیت دشوار آن دوره را نمی دادند، هیچ دلیل ایدئولوژیکی، سیاسی و دینی برای نگارش این نوع متون در دوره ساسانی وجود نداشت (Sangari, 2013: 185-187). با سقوط ساسانیان و بروز تحولاتی مشابه زمان حمله اسکندر، موبدان زردشتی ناچار شدند به حافظه تاریخی خویش مراجعه کنند و متون آخرالزمانی را به نگارش در آورند.

از سده هفتم تا نهم میلادی که اعراب برای تسلط و فرمانروایی بر ایران می کوشیدند، موفقیت های اندکی به دست آوردند. پس از مرگ یزدگرد سوم در ۶۵۱ م، شورش های محلی در برخی از شهرهای ایران رخ دادند. هنگامی که اعراب به فارس آمدند، با پایداری فرماندهان محلی روبه رو شدند. این پایداری ها در نتیجه اختلافات سیاسی درون جامعه اسلامی تشدید شد و جمعیت بومی در هر موقعیتی دست به شورش می زدند. از طرفی، با مقایسه داده های سکه شناختی با گزارش های منابع مکتوب ادبی نظیر منظومه بهرام ورجاوند می توان به تلاش بقایای خاندان ساسانی برای کسب مجدد قدرت پی برد (Aram & Gyselen, 2003: 26). شاید دلیل ایدئولوژیکی برای آمدن نام و چهره یزدگرد سوم در سکه های پسرانش (پیروز و بهرام) آن بود که خاطره آخرین پادشاه ساسانی را در پایان دوره باستان، در ذهن

حکومت این قوم را آخرین شهریاری زمین می دانستند. این ادبیات پس از حمله اعراب جانی تازه گرفت و آنها نقش مهاجمان قبلی را در این گونه ادبی عهده دار شدند و چون شکست های ایرانیان تکرار شد، وحشت از سرنوشت محتوم درون آنها رخنه کرد (بویس، ۱۳۶۶: ۱۳۹۰). در فصل اول ارداویرافنامه که از متون آخرالزمانی ساسانی است، حمله اسکندر به ایران شهر و آسیب ها و خسارات مادی و غیرمادی ناشی از آن توصیف شده است. بر اساس این، افزون بر ویرانی و کشتار، از بین رفتن اتحاد ایرانیان و اختلافات درونی آنها از پیامدهای مهم یورش بیگانگان به شمار رفته است. شرح این رخدادها کنایه ای از حمله اعراب به ایران و نتایج آن است که در آن زمان امکان اشاره مستقیم به آنها وجود نداشت: «چنین گویند که یکبار اهل زردشت دینی را که پذیرفته بود در جهان رواج داد تا پایان سی صد سال دین در پاکی و مردم در بی گمانی بودند. پس گجسته (ملعون) گنامینو (اهریمن) دروند (بدکار) برای اینکه مردمان به این دین شک کنند، گجسته اسکندر یونانی مصرنشین را گمراه کرد که با ستم گران و نبرد و بیماری به ایران شهر آمد و او فرمانروای ایران را کشت و دربار و فرمانروایی را آشفته و ویران کرد ... و او بسیاری دستوران و داوران و هیربدان و موبدان و دی برداران و افزارمندان (متخصصان) و دانایان ایران شهر را بکشت و در میان هر یک از بزرگان و کدخدایان ایران شهر کینه و ناآشتی (اختلاف) افکند و خود نابود شد و به دوزخ روانه گشت و پس از آن هر یک از مردمان ایران شهر را با دیگری آشوب و پیکار بود» (ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۴۰).

با توجه به تسلط ادبیات شفاهی در دوره باستان، پیدایش ادبیات آخرالزمانی در دوره پس از حمله اسکندر مقدونی صرفاً در قالب روایات شفاهی توجیه پذیر است. در آن دوره، گوسان های اشکانی و خنیاگران ساسانی که داستان های تاریخی و حماسی و عاشقانه ایران را به یاد داشتند و آنها را با آواز بازگو می کردند، حافظ و

مردم ایران‌شهر کنند. آن هنگام، از سوی کابلستان یکی آید که بدو فره از دوده بغان است و (او را) کی بهرام خوانند. همه مردم با او باز شوند و به هندوستان و نیز روم و ترکستان، همه سویی، پادشایی کند. دین زردشت را برپا دارد.» (بندھشن، ۱۳۸۰: ۱۴۲)

بنابراین تسخیر ایران‌شهر به دست اعراب برای معتقدان به آخرالزمان فرصتی به وجود آورد تا به توضیح وقایع تاریخی بپردازند. سقوط پادشاهی ایران و همراه آن، زوال دین زردشتی و تغییر آن به اسلام، نوعی دگرگونی ناگهانی و قریب‌الوقوع خوانده شد. موبدان روی بخش اصلی منابع خود کار کردند تا پیشگویی کنند دفاع در برابر اعراب به جایی نمی‌رسد و ایرانیان باید به شرایط سخت آخرالزمانی عادت کنند. این سخنان، عقیده نومیدانه زردشتیان را در جامعه ایران در نخستین سده‌های اسلامی منعکس می‌کند؛ مبنی بر اینکه خلافت همان طور که مسلمانان ادعا می‌کردند، تجلی خواست خداوند است. بر اساس این، مصیبت عامل دگرگونی برای بازسازی سیاسی و مذهبی جامعه ایران معرفی شد که برای احیای دین زردشتی در آینده ضرورت داشت و ایمان دینی به آن، تأییدکننده اعتقادات زردشتیان بود. به این ترتیب، مؤمنانی وفادار به دین زردشتی، با تصور ظهور منجی نیرو می‌گیرند و در برابر سلطه بیگانه پایداری می‌کنند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۳).

این واکنشی خاص به وضعیت ناامیدکننده ای بود که در آن، امکان پیدایش دوره دیگری از حکومت زردشتی در ایران وجود نداشت. وقتی امیدها برای تحقق این هدف از بین رفت، ادبیات آخرالزمانی مهم ترین راه برای بیان آرزوها شد. در این شرایط، تمرکز بر موضوع پایان گرفتن قریب‌الوقوع جهان یا فرسگرده بود تا با تحقق آن به رستگاری در جهان روحانی دست یافت. شاید از این رو بود که حتی تا سده یازدهم میلادی، هنوز مطالبی به این گونه از ادبیات زردشتی افزوده می‌شد. تا هنگامی که پایان جهان هرگز نیامد، این متن‌ها باقی ماندند و در طول سده‌ها نسخه‌برداری شدند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۲).

مردم زنده می‌ساخت. احتمالاً خاندان ساسانی در سده هشتم میلادی هنوز در آرزوی بازپس‌گیری دگربار ایران‌شهر بودند؛ اما نیروی جنگی متمرکز دیگر نمی‌توانست به این هدف دست یابد (ن.ک به: Pasha & Sangari, 2018: 501-2) و از این رو، انجام این وظیفه برای فرماندهان محلی و روحانیون زردشتی به جای ماند تا خود با فاتحان روبه‌رو شوند (دریایی، ۱۳۹۳: ۹۱). با ناکامی شاهزادگان ساسانی در بازپس‌گیری ایران‌شهر، جامعه زردشتی بیشتر از هر زمانی به سوی نگرش‌های آخرالزمانی در آن وضعیت پیچیده متمایل شد.

این دوره با قدرت گرفتن مروانیان و درخواست یاری از فرماندهان خودمختار محلی ایرانی و شکست نیروهای مسلمان دشمن خلیفه در فارس پایان گرفت و فرماندهان محلی که امید زردشتیان برای بنیان‌گذاری دوباره فرمانروایی زردشتی بودند، از مقاومت و پایداری دست کشیدند. قدرت سپاه اعراب و ثبات دستگاه خلافت، این حکام را به پذیرفتن فرمانروایی آنها ناگزیر کرد و از سوی دیگر، مأموران دولتی هم در استان‌ها، شیوه فرمانروایی مشترک را پذیرفتند؛ از این رو، بسیاری از پایداری‌های محلی ایرانیان پایان گرفت. هنگامی که پایداری‌های سیاسی فرو خوابیدند، زردشتیان فارس کوشیدند امید و آرزوهای خویش را به وسیله میراث ادبیات آخرالزمانی بیان کنند که تا مدت‌ها پس از دوره مروانیان همچنان به جای ماند و با حوادث دوره‌های بعد، مطالبی به آن افزوده شد (دریایی، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۲). در برخی از این متون مانند زندبهن یسن و بندھشن به قیام پهلوانان اسطوره‌ای مانند بهرام ورجاوند در آخرالزمان و سپس ظهور سه منجی - هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت - و رخدادهای مرتبط با زمانه آنها پرداخته می‌شود تا امیدهای جامعه زردشتی را زنده نگاه دارند:

«از آن پس، هیون و ترک به بس شمار و بس درفش در ایران‌شهر بتازند. این ایران‌شهر آبادان خوشبوی را ویران کنند و بس دوده آزادان را بیاشوبند. بس بدی و ستم به

دست آوردند، پیشگویی‌های قدیمی‌تر را بازنویسی کردند؛ پیشگویی‌هایی که ریشه در حوادث دوران باستان مانند حمله اسکندر داشت. به این ترتیب که حکومت اعراب نشان‌دهنده روزهای پایانی بشریت است. از دیدگاه آنها، دوران سلطه غیرزردشتیان از مرگ یزدگرد سوم در سال ۶۵۱ میلادی (۳۱ هجری) آغاز شد و تا سال ۱۷۳۳ میلادی (۱۱۴۶ هجری) ادامه داشت که سال احیای دین زردشتی محسوب می‌شد (چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳). موبدان در نگارش این متون، به درونی‌سازی رخدادها و جای‌دادن آنها در چهارچوب ویژه پرداختند؛ چنان که پس از این رخدادها پایان جهان می‌آمد؛ بنابراین ما با رویدادهای سیاسی همان روزگار مواجه‌ایم که در این‌گونه از نوشته‌های تاریخی راه یافته‌اند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۴). در این ادبیات پیشگویانه، تعبیر عقلانی برای ارتباط دادن آشفتگی‌های گذشته به رویدادهای حال و آینده ضرورت یافته بود و به این ترتیب، درستی رویدادها از ارزش نمادین آنها اهمیت کمتری پیدا کرده بود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۶۵). این متن‌ها واقعیات تاریخی نظیر حمله اعراب به ایران و سقوط ساسانیان را توضیح می‌دهند یا تأیید می‌کنند؛ آنها درباره واکنش جامعه زردشتی در برابر رخدادهای تاریخی مانند جنبش‌های ایرانی ضدخلاف‌اطلاعاتی را به دست می‌دهند و بیم و امیدهای آنها را درباره آینده آشکار می‌کنند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۴).

۲-۴. بررسی دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی

نسبت به جنبش‌ها

۲-۴-۱. زندبهن یسن

زندبهن یسن کتابی به زبان پهلوی از نویسنده‌ای ناشناس است که در آن اهوره مزدا، رویدادهای آینده ایران را تا پایان عمر جهان برای زردشت پیشگویی می‌کند (زندبهن یسن، ۱۳۷۰: ۷؛ پیش‌گفتار) و از دیدگاه تاریخی، مهم‌ترین متن مکاشفاتی زردشتی است. این متن به خط پهلوی و حرف‌نویسی پازند همراه با مطالبی دیگر بر جای مانده است (امریک و ماریا ماتسوخ، ج ۱۷، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

زردشتیان، جدا از آن که می‌پنداشتند با رعایت احکام دینی در این جهان، سعادت ابدی را در بهشت به دست می‌آورند، آرزوی بزرگ‌تری نیز داشتند؛ مبنی بر اینکه سرانجام در پایان جهان نیکی پیروز خواهد شد و به همراه آن، پیروزی دین زردشتی نیز فرا خواهد رسید. این پیروزی در آثار آخرالزمانی زردشتی به تفصیل پیشگویی شده است (بویس، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

در این دوره تاریخی، گروه‌های مختلف مردمی به خدایانی که آنها را می‌پرستیدند، هم با دیده اعتماد و هم با شک می‌نگریستند. مسلمانان به اتکای موفقیت نظامی خداوند را ستایش می‌کردند؛ اما برخی زردشتیان بر اراده خدایی که به نظر می‌رسید نسبت به جلوگیری از تسلط مسلمانان بر آنها ناتوان است، تردید می‌کردند. در این شرایط، ادبیات آخرالزمانی به کمک زردشتیان آمد. در برخی از این متون مانند ارداویراف نامه اشارات متعددی به مجازات شکاکان و بدعت‌گذاران شده است:

پس دیدم روان‌انهایی که مارها آنها را می‌گزیدند و می‌جویدند و پرسیدم: آنها روان چه کسانی هستند؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان آن دروندانی است که در گیتی ایزدان و دین را انکار کردند» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۷۹).

بدین‌سان، این ادبیات به هر دو صورت شفاهی و مکتوب، وسیله‌ای برای توضیح رویدادهایی فراهم کرد که زندگی مردم را به نحو چشمگیری دگرگون کرده بود. پیروزی‌های مسلمانان، تجلی لطف خداوند توصیف می‌شد و هر شکست زردشتیان، گامی به سوی آخرالزمان بود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۸۶).

در قرن نهم میلادی (سوم هجری) روحانیون زردشتی برای نگارش این متون تلاش بسیاری کردند (کریستن سن، ۱۳۸۸: ۳۴). در این متون بسیاری از جزئیات روایات دینی و عادات و عقاید زردشتیان در زمینه نظام آفرینش، پایان جهان و احکام و تعالیم دینی روشن می‌شود (صدیقی، ۱۳۷۲: ۸۹). موبدان با اشاره به سلطه‌ای که مسلمانان به

این دوره که هویت مذهبی همگانی مهم‌ترین شیوه تعیین هویت شده بود، حرکت بابک جنبشی بدعت‌گرایانه محسوب می‌شد و با وجود نابودی دشمنان سیاسی زردشتیان، باز هم نکوهش شده متون آخرالزمانی بود (دریایی، ۱۳۹۳: ۸۰-۸۱).

در این کتاب، فاجعه آخرالزمانی به شکل ظهور مردمی توصیف می‌شود که جامعه سیاه پوشیده‌اند و اشاره به قیام ابومسلم خراسانی و نهضت عباسیان دارد (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۶). همچنین در این متن، دیدگاه زردشتیان درباره تبار ابومسلم و عملکرد او به دست می‌آید و میزان بیزاری جامعه زردشتی را از او نشان می‌دهد:

«در آن پست‌ترین زمان، یک صد گونه، یک هزار گونه و ده هزار گونه دیوان گشاده موی خشم‌تخمه برسد، پست‌ترین نژادها از سوی خراسان به ایرانشهر تازند، درفش برافراشته‌اند، سلاح سیاه برند و مو، گشاده به پشت دارند و بیش‌تر بندگان خرد پست و پیشه‌ور و پیشکار خشن باشند. بن و زاده آن تخمه خشم پیدا نیست. به سرزمین‌های ایران که من اورمزد آفریدم به جادوگری بتازند؛ چنانکه بسیار چیز سوزند و خانه‌داران، ده دهقانان، آبادی و بزرگی و دهقانی و راست دینی و پیمان و زنهار و رامش و همه آفرینش، که من اورمزد آفریدم، تباه کنند... ای ده‌های ایران که من اورمزد آفریدم، به زشت‌کامی و ستم و فرمانروایی خراب کنند. دیوان گشاده موی، فریبکارند؛ یعنی آنچه گویند، نکنند و بد دین‌اند؛ یعنی آنچه نگویند، کنند... ایشان را عهد، پیمان و راستی و آیین نیست و زینهار ندارند و به عهدی که کنند، نایستند... در آن زمان شگفت یعنی پادشاهی خشم خونین درفش و دیو گشاده موی خشم‌تخمه، پست‌ترین بندگان به فرمانروایی نواحی ایران فراز روند» (زندبهمن‌یسن، ۱۳۷۰: ۵-۶).

بر اساس این، مسئله شایان توجه برای جامعه زردشتیان، ماهیت غیرزردشتی قیام ابومسلم و تهدیدی بود که او برای وحدت زردشتیان به وجود می‌آورد. با آنکه این جنبش به نابودی حکومت امویان انجامید، باز هم

فصل چهارم کتاب به بیان ویژگی‌های پایان هزاره زردشت (هزاره دهم از دوره ۱۲ هزار ساله جهان) اختصاص دارد و شرح مصیبت‌هایی است که بر جهان و به ویژه بر دین زردشتی خواهد رسید. در این بخش، اهوره مزدا تاخت و تاز بیگانگان به ایران و پیامدهای ناخوشایند آن را پیشگویی می‌کند. به عبارتی این فصل، توصیف فاجعه‌ای تاریخی و بیان کیفیت اسفبار رویدادی غیرمنتظره است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۱).

فصل ششم درباره آشوب‌هایی است که به دنبال آشوب‌های ذکرشده در فصل‌های پیشین روی خواهند داد (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۱). در این فصل به قیام خرم دینان اشاره شده است. از دیدگاه کتاب، خرمیه گروهی‌اند که عملکرد آنها نیز فاجعه آخرالزمانی دانسته می‌شود:

«پس از نشانه‌های سیاه، پادشاهی از این خشم تخمگان به دروج شیدپی کلیسایی در شهرهای سلم رسد. ماه و نداد گفت که رومی باشند و روشن گفت که سرخ کلاه و سرخ سلاح و سرخ درفش باشند؛ یعنی که نشانه ایشان باشد. هنگامی که ببینند، خورشید نشان تیره بنماید و ماه از گونه بگردد، در جهان مه و تیرگی و تاری باشد. در آسمان نشانه گوناگون پیدا باشد و زمین لرزه بسیار باشد و باد سخت تر آید و نیاز و تنگی و دشواری در جهان بیشتر پدیدار آید و ستاره تیر و اورمزد (مشتی) پادشاهی بدان را سامان بخشند. دروج شیدسپی و کلیسایی یک صدگانه و یک هزارگانه و ده هزارگانه باشند، درفش سرخ دارند و حرکت ایشان بسیار (باشد) به ده‌های ایران که من اورمزد آفریدم تا ساحل ارنگ بتازند، کسی بود که رود فرات گفت تا دشت آسورستان مسکن ایشان است، دشت سخت هموار و آن مسکن آسوریان است؛ یعنی مردم آسوری در آن مسکن دارند و نشیمن آنان آنجا است» (زندبهمن‌یسن، ۱۳۷۰: ۱۱).

جنبش‌های فرقه‌گرایانه همچون جنبش بابک خرم‌دین و پیروانش، تأثیر مشابه قیام ابومسلم در زردشتیان داشتند. احتمالاً جنبش بابک گرایش‌های ملی را بازتاب می‌داد که در اندیشه برقراری مجدد فرمانروایی ایرانی بود؛ اما در

میان، سپاه ابومسلم متهم به سوزاندن و نابودی املاک و دارایی‌ها، شهرها و آتشکده‌های زردشتیان شده‌اند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۸).

۲-۴-۳. بندهشن

بندهشن مانند بیشتر آثار فارسی میانه، مجموعه‌ای از مطالب گوناگون است که از منابع مختلف، گردآوری و با هم تلفیق شده است. مؤلف نهایی آن احتمالاً فرنَبغ نامی بوده که در قرن سوم هجری می‌زیسته است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). فصل هجدهم این کتاب با نام «درباره گزندهایی که در هر هزاره به ایرانشهر رسیده است»، به تاریخ اساطیری ایران و حوادث آخرالزمانی اشاره دارد. قیام بابک در این اثر به این شرح توصیف می‌شود:

«گروهی آیند سرخ‌نشان و سرخ‌درفش، پارسی و روستاهای ایرانشهر را تا به بابل گیرند و این تازیان را نزار کنند» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

در این گزارش به جنگاورانی ایرانی اشاره شده است که تازیان را خواهند کشت. با وجود این، این فعالیت از دیدگاه زردشتیان که مخالف هرگونه بدعت‌گرایی بودند، سودمند نبوده است (دریایی، ۱۳۹۳: ۸۱). قیام ابومسلم و سپس حملات ترکان به ایران، مطالب بعدی است که مشابه زندبهن‌یسن فاجعه آخرالزمانی‌اند:

«سپس، یکی بد مرد از سوی خراسان آید ... سالی چند دش پادشایی کند. به سروری او در پارس، مردم نابود شوند، مگر اندکی به کازرون و دریابارها تا او بنماند. از آن پس هیون ترک به بس شمار و بس درفش در ایرانشهر بتازند. این ایرانشهر آبادان خوشبوی را ویران کنند و بس دوده آزادان را بیاشوبند. بس بدی و ستم به مردم ایرانشهر کنند» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۱)

۳. نتیجه

متون آخرالزمانی زردشتی در سده‌های دوم و سوم هجری به خط فارسی میانه (پهلوی ساسانی) نگارش یافتند و بیشتر بر مبنای تحلیل و آسیب‌شناسی تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی جامعه ایرانی آن دوران

نکوهش و تقبیح شده جامعه زردشتی قرار گرفت. از دیدگاه زردشتیان، فرمانروایی بیگانگان بدبختی بود؛ اما ایده گفتگو و آمیزش با سایر ادیان گناه پنداشته می‌شد. در دوره اموی و باوجود همزیستی زردشتیان و مسلمانان، جامعه زردشتی می‌توانست دشمن خود را بشناسد و هویت خویش را حفظ کند؛ اما همکاری سیاسی و آمیختگی ایرانیان زردشتی و اعراب مسلمان به معنی پایان همه آرزوها برای دستیابی به استقلال و شکوفایی دین زردشتی بود. اگر بین اعراب و ایرانیان نقطه نظرهای مشترکی به وجود می‌آمد و هر دو گروه، منافع مشترکی در برابر حکومت داشتند، این جامعه زردشتیان را به ضعف و نابودی می‌کشاند (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۰).

۲-۴-۲. یادگار جاماسی

یادگار جاماسب یا جاماسی، متشکل از هفده فصل، مشتمل بر مهم‌ترین آموزه‌های دین زردشتی و مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی، اساطیری و باورهای عامیانه است. کتاب از نویسنده ناشناسی است و اصل آن از میان رفته و تنها چند قطعه از آن به زبان پهلوی و فارسی برجای مانده است (تاوادی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۷۵). گزیده زیر، چکیده‌ای از این متن است که به زوال دین، انحطاط اخلاقی، سلطه فرومایگان بر مردم و قیام ابومسلم خراسانی می‌پردازد:

«از خراسان مردی ناشناس و کم‌ارزش همراه با مردمان، اسب و سر نیزه زیاد بر می‌خیزد و بر شهر چیره شده، آن را تحت فرمانروایی خود در می‌آورد. پادشاهی به کلی از ایرانیان جدا می‌شود و به غیر ایرانیان می‌رسد و کیش و داد و روش بسیار باشد و کشتن یکدیگر را ثواب می‌دانند: کشتن مردم را ساده می‌شمارند ... و بسیار ظلم و بیاداد بر مردم ایران نمایند» (مسینا، ۱۹۳۹: ۱۱۶)

نکته مهم درخور ذکر، توجه نویسندگان زردشتی به طبقه و نژاد ابومسلم است؛ چنانکه آنها او را از «نژاد پست» و بدتر از آن «کسی که خاستگاه او پیدا نیست» می‌خوانند. هرچند این گزارش در تعیین خاستگاه ابومسلم کمکی نمی‌کند، نشان می‌دهد زردشتیان او را برای جامعه خود زیان‌آور می‌دیدند. در متن‌های آخرالزمانی فارسی

(۱۳۷۹)، جعفری (۱۳۹۴)، چلونگر و غضنفری (۱۳۹۴)، خسروی و معصومی (۱۳۹۳)، زرین‌کوب و یزدانی‌راد (۱۳۹۰)، زهانی زهان (۱۳۸۹)، شجری قاسم‌خیلی (۱۳۹۴)، علیپور (۱۳۷۸)، غضایری (۱۳۸۹)، غنی‌نژاد (۱۳۷۷)، کرباسیان (۱۳۸۹)، مفتخری (۱۳۷۷)، منتظری (۱۳۹۴)، و مهدی‌زاده (۱۳۷۹)، هر یک به‌نوبه‌خویش و از زاویه‌ای متفاوت، مفهوم موعود و جنبش‌های ایرانی قرون نخستین اسلامی را بررسی کرده است که به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از بررسی همه‌جانبه این آثار صرف‌نظر می‌شود.

منابع

- ۱- آصف آگاه، سیدحسن، (۱۳۸۶)، «موعود و آخرالزمان در دین زردشتی»، ماهنامه مشرق موعود، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۰.
- ۲- آقایی، مجتبی، (۱۳۷۹)، «بازخوانی مفهوم موعود در دین زرتشتی»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۷، صص ۱۱۱-۱۲۸.
- ۳- ارداویراف نامه، (۱۳۸۲)، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی و واژه‌نامه از فیلیپ ژینیو، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، نشر معین، چاپ دوم.
- ۴- اشیپولر، برتولد، (۱۳۹۱)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- ۵- امریک، رونالد و ماریا ماتسوخ، (۱۳۹۳)، تاریخ ادبیات فارسی، ادبیات ایران پیش از اسلام، ج ۱۷، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه زیر نظر ژاله آموزگار، تهران، نشر سخن، چاپ اول.
- ۶- بندهشن، (۱۳۸۰)، ترجمه مهرداد بهار، تهران، نشر توس.
- ۷- بویس، مری، (۱۳۹۵)، زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، نشر ققنوس، چاپ چهاردهم.
- ۸- -----، (۱۳۹۰)، آیین زرتشت، ترجمه

و نیز سده نخست هجری بودند. جای جای این متون اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به رویدادهای ناخوشایندی است که پس از حمله اعراب به ایران و تا قبل از نگارش هر متن رخ دادند؛ بنابراین آموزه‌ها و مفاهیم مرتبط با پایان جهان و آخرالزمان، بر دیدگاه زردشتیان نسبت به سیر حوادث و رخدادها تأثیر گذاشت و زردشتیان با تکیه بر این آموزه‌ها سعی می‌کردند امید خود را برای تحقق زندگی بهتر حفظ کنند.

از مهم‌ترین تحولات ایران در نخستین سده‌های اسلامی، بروز جنبش‌های التقاطی دینی و جنبش‌هایی با رویکرد سیاسی مانند قیام ابومسلم است. از دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی، این جنبش‌ها نه تنها در راستای منافع ملی و دینی جامعه زردشتی نبودند، انسجام و یکپارچگی آن را نیز تهدید می‌کردند. بروز این‌گونه تحركات به‌ویژه در سده‌های دوم و سوم هجری نشان داد باوجود تأکید روحانیون زردشتی مبنی بر خودداری زردشتیان از همکاری با آنها، طیف وسیعی از جامعه به امید رهایی از تسلط اعراب یا بهبود شرایط اقتصادی و منزلت اجتماعی خود با این جنبش‌ها همراه شدند. صرف‌نظر از نتایج سیاسی جنبش‌ها که بیشتر آنها به شکست انجامید، باید به پیامدهای زیان‌بار آن در آسیب‌پذیری انسجام و اتحاد درونی جامعه زردشتی اشاره کرد. در متون آخرالزمانی زردشتی، پیشوایان این جنبش‌ها نظیر ابومسلم و بابک نقد و نکوهش شدند و قیام آنها فاجعه‌های آخرالزمانی دانسته شده است. از سوی دیگر، اعتقاد پیروان ابومسلم و بابک به آنها به‌منزله منجیان موعود، از تسلط پندارهای آخرالزمانی بر روح جامعه ایرانی در آن دوران خبر می‌دهد. به عبارتی، دیدگاه برخی از ایرانیان نسبت به ابومسلم، بابک و سایر سران جنبش‌های ضدخلافت به‌منزله پیشوایان دینی و منجی موعود، متأثر از مفاهیم آخرالزمانی دیانت زردشتی نظیر انتظار و ظهور منجی بوده است.

پی‌نوشت

۱. همچنین پژوهشگرانی نظیر آصف‌آگاه (۱۳۸۶)، آقایی

- ۲۰- زرین کوب، روزبه و علی یزدانی راد، (۱۳۹۰)، «تدابیر روحانیان زردشتی برای مقابله با تغییر دین به دینان - از سقوط شاهنشاهی ساسانی تا پایان سده چهارم هجری»، دو فصلنامه جستارهای تاریخی، سال ۲، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۶.
- ۲۱- زندبهن یسن، (۱۳۷۰)، تصحیح متن، آوانویسی و برگردان فارسی از محمدتقی راشد محصل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۲۲- زهانی زهان، زهره، «فرجام شناسی زردشتی»، (۱۳۸۹)، دو فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۲۱، صص ۲۳۹-۲۶۰.
- ۲۳- سنگاری، اسماعیل و علیرضا کرباسی، (۱۳۹۵)، «بررسی علل شکل گیری ایده آلیسم انقلابی مزدک و تأثیر آن در عدم موفقیت این جنبش»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- ۲۴- شجری قاسم خیلی، رضا، (۱۳۹۴)، «ارزیابی نقش موبدان در حفظ و احیای میراث ایرانی در قرون نخستین اسلامی»، دو فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۱۰، صص ۷۹-۹۸.
- ۲۵- صدیقی، غلامحسین، (۱۳۷۲)، جنبش های دینی ایران در قرن های دوم و سوم هجری، تهران، نشر پاژنگ.
- ۲۶- طقوش، محمد سهیل، (۱۳۹۱)، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی با اضافاتی از رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم.
- ۲۷- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۹۲)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، نشر سروش، چاپ پنجم.
- ۲۸- علیپور، فاطمه، (۱۳۷۸)، «منجی در دین زرتشت»، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۱۶، صص ۶۳-۶۷.
- ۲۹- غضایری، حسین، (۱۳۸۹)، ادبیات پیشگویانه زرتشتیان در نخستین سده های اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ابوالحسن تهامی، تهران، نشر نگاه، چاپ چهارم.
- ۹- -----، (۱۳۶۹): گوسان پارتی و سنت نوازندگی در ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، نشر توس.
- ۱۰- تاریخ ایران کمبریج، (۱۳۹۰)، ویراستار ریچارد نلسون فرای، ترجمه تیمور قادری، ج ۴، تهران، نشر مهتاب، چاپ دوم.
- ۱۱- تاوادیبا، جهانگیر، (۱۳۸۳)، زبان و ادبیات پهلوی فارسی میانه، ترجمه سیف الدین نجم آبادی، ج ۱، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۲- تفضلی، احمد، (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، نشر سخن، چاپ سوم.
- ۱۳- جعفری، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، «خوانشی نو از مصادیق سه منجی در تاریخ کیش زردشت»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۹، صص ۷۷-۱۰۲.
- ۱۴- جلیلیان، شهرام، (۱۳۹۶)، تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان، تهران، نشر سمت، چاپ اول.
- ۱۵- چلونگر، محمدعلی و محمدنبی غضنفری، (۱۳۹۴)، «ماهیت دینی و ترکیب اجتماعی جنبش های ایرانی در قرون نخستین اسلامی»، دو فصلنامه کارنامه تاریخ، شماره ۳، صص ۱۵-۴۴.
- ۱۶- چوکسی، جمشید کرشاسب، (۱۳۹۳)، ستیز و سازش، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، نشر ققنوس، چاپ هفتم.
- ۱۷- خسروی، لیلا و محسن معصومی، (۱۳۹۳)، «جایگاه دینی، علمی و اجتماعی - سیاسی موبدان در سده های نخستین ورود اسلام به ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۳، صص ۱۷۹-۲۱۸.
- ۱۸- خضری، احمدرضا، (۱۳۸۴)، تاریخ خلافت عباسی، از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، نشر سمت، چاپ پنجم.
- ۱۹- دریایی، تورج، (۱۳۹۳)، شاهنشاهی ایران، پیروزی عرب ها و فرجام شناختی زردشتی، ترجمه شهرام جلیلیان، نشر توس، چاپ اول.

l'Antiquité, sous la direction de Jean Leclant, Paris: Presses Universitaires de France.

3- Pasha Zanous, H. & Sangari, E. (2018). The Last Sasanians in Chinese Literary Sources: Recently Identified Statue Head of a Sasanian Prince at the Qianling Mausoleum, *Iranian Studies*, Routledge Publisher, London, Taylor and Francis Group: 499-515.

4- Messina, Gi. (1939). *Libro Apocalittico Persiano ayatkar I Zamaspek*, Roma.

5- Sangari E. (2013). *Les Femmes à l'époque Sassanide: Données Iconographiques et Sources Textuelles en Iran du III^{ème} au VII^{ème} Siècle apr. J.-C.*, Thèse dirigée par R. Boucharlat, Maison de l'Orient et de la Méditerranée, Lyon: l'Université Lumière Lyon II.

۳۰- غنی‌نژاد، فهیمه، (۱۳۷۷)، «منجی در دین باستانی ایرانیان»، *ماهنامه کتاب ماه دین*، شماره ۱۱، صص ۲۱-۲۳.

۳۱- کرباسیان، ملیحه، (۱۳۸۹)، «آخرالزمان به روایت یادگار جاماسبی»، *دو فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت*، سال ۵، ش. ۳، صص ۴۹-۵۳.

۳۲- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۸۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نشر صدای معاصر، چاپ ششم.

۳۳- مازندرانیان، حمیدرضا، (۱۳۸۴)، *تداوم و تحول اندیشه دینی زرتشتیان در قرون نخستین اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

۳۴- مفتخری، حسین، (۱۳۷۷)، «جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری»، *ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۴، صص ۲۶-۳۰.

۳۵- منتظری، سید سعیدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی و معرفی ادبیات فارسی زرتشتی»، *دو ماهنامه آینه پژوهش*، شماره ۱۵۶، صص ۲۹-۳۷.

۳۶- مهدی‌زاده، علی، (۱۳۷۹)، «فرجام‌شناسی در دین زردشتی»، *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۴۳، شماره ۳، صص ۲۶۹-۲۸۸.

۳۷- یارشاطر، احسان، (۱۳۹۳)، *پیدایش دوباره هویت ایرانی پس از گرویدن به اسلام*، در: *برآمدن اسلام، ویراسته و ستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت*، ترجمه کاظم فیروزمندی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.

منابع و مأخذ لاتین

1- Alram M. & Gyselen R. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum, Paris-Berlin-Wien. Band I. Ardashir I - Shapur I* [Veröffentlichungen der numismatischen Kommission, Band 41]. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.

2- Leclant, J. (2005). *Dictionnaire de*

